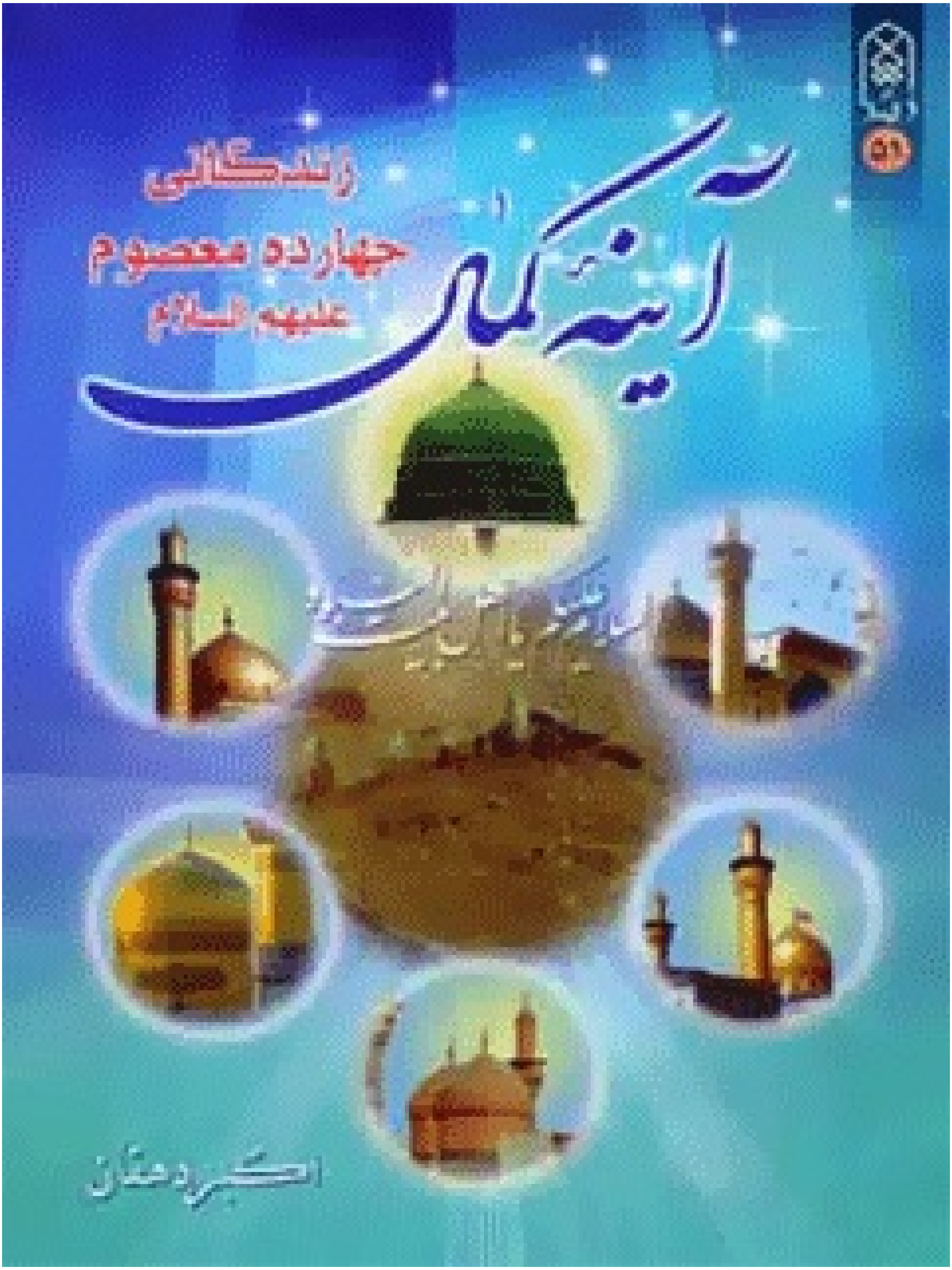

زندگانی
چهارده معصوم
علیهم السلام
اکبر دهقان

بسم الله الرحمن الرحیم

آینه کمال

نویسنده:

اکبر دهقان

ناشر چاپی:

زائر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آینه کمال

مشخصات کتاب

سرشناسه : دهقان، اکبر ،۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : آینه کمال/اکبر دهقان.

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۳۴۹ ص.

فروست : انتشارات زائر آستانه مقدسه ؛ ۵۱.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال : ۶-۴۲-۶۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت : عنوان روی جلد : آینه کمال زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان روی جلد : آینه کمال زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام.

موضوع : ائمه اثناعشر -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم .انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP۳۶/۵/د۹آ۸۷ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۲۹۲۷۳

امام حسن عسکری از ولادت تا شهادت

امام حسن عسـکری علیه‌السلام در هشتم ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ در مـدینه چشم به جهان گشود و در سال ۲۵۴ هجری به امامت رسید. مدت امامت حضـرت ۶ سـال طول کشـید و در سال ۲۶۰ به دست معتمد عباسـی شـهید شد. امام حسن عسـکری علیه‌السلام در این مدت با سه طاغوت سـتمگر مواجه بود: ۱- معتز عباسـی فرزند متوکل، حدود یک سال ۲- مهتـدی، نزدیک به یک سال ۳- معتمد (احمد پسر متوکل) که مدت خلافتش ۲۳ سال طول کشید و همزمانی امامت حضرت عسکری با او ۴ سال طول کشید. آن حضرت در برابر هر سه نفر کاملاـ ایستادگی کرد و شـکنجه‌ها و زنـدان‌های مختلف را تحمـل کرد، اما هیـچ یک را تأییـد نکرد. آنان بارها تصـمیم به قتـل حضـرت گرفتنـد، حتی معتز به مأمور خود فرمان داد که امام عسـکری را به سوی کوفه ببرد سـپس در جای خلوتی گردنش را بزنـد، لکن وی موفق به کشـتن حضـرت نشد. [صفحه ۲۲۶] امام عسـکری علیه‌السلام درباره‌ی هر سه خلیفه، نفرین کرد که خداوند عمر هر سه را کوتاه کند. از این رو، همگی با ذلت به هلاکت رسـیدند. شایان گفتن است که امام عسـکری علیه‌السـلام از دوران خردسالی همراه پدرش در سامرا بود، ۲۲ سال در حیات پدرش و ۶ سال بعد از آن زندگی کرد. [۱] .

عظمت امام عسکری

احمد بن عبیدالله بن خاقان پس از آن که احترام و تکریم زیادی از پدرش نسبت به امام علیه‌السـلام مشاهده کرد، از پدرش پرسید: این شـخص کیست که این اندازه او را تکریم کردی؟ گفت: او حسن بن علی است، اگر خلافت از بنی‌عباس بیرون رود، کسـی جز

او شایسته‌ی امامت نیست، زیرا دارای فضایل و کمالاتی فراوان است. احمد می گوید: من از قضات، نویسندگان، ارتشیان، بنی‌هاشم و... درباره‌ی امام علیه‌السلام سؤال می کردم و همه او را در نهایت بزرگی و عظمت و کمال علمی و عملی می‌ستودند؛ «فعظم قدره عندی، اذ لم أر له ولیا و لا ـ عدوا و هو یحسن القول فیه و الثناء علیه»؛ از آن پس ارزش و مقام او در نظر من بزرگ شد. زیرا هیچ دوست و دشمنی نبود، مگر این که از آن حضرت به نیکی یاد می کرد و او را تمجید و تعریف می کرد. [۲] . [صفحه ۲۲۷]

سیره‌ی عملی امام

احترام به سادات

یکی از نوادگان امام صادق علیه‌السلام به نام «حسین بن ساکن» در قم مبتلا به شراب خواری بود. روزی برای حاجتی نزد احمد بن اسحاق، وکیل اوقاف در شهر قم، رفت، ولی احمد او را راه نداد و با غم و اندوه برگشت. در همان سال احمد بن اسحق به حج رفت و در میان راه به سامرا رسید. اجازه خواست تا خدمت امام عسکری علیه‌السلام برسد، ولی امام به او اجازه نداد. احمد بسیار گریه کرد تا امام اجازه داد. همین که علت را جویا شد، امام فرمود: چرا تو پسرعموی ما را راه ندادی؟ گفت: به خدا قسم! او را رد نکردم مگر به سبب گناه او حضرت فرمود: راست می گویی، اما چاره‌ای نیست جز آن که به سادات احترام بگذاری. احمد بن موسی به قم برگشت و مردم به دیدن او آمدند، حسین بن ساکن نیز همراه آنان بود. تا چشم احمد بن اسحاق به او افتاد، او را در آغوش گرفت و او را بسیار احترام کرد. حسین از او پرسید: چرا روش تو درباره‌ی من عوض شده است؟ احمد بن اسحق داستان دیدارش با امام عسکری علیه‌السلام را بیان کرد، از این رو، حسین نیز توبه کرد و از گناه خود دست برداشت. [۳] . [صفحه ۲۲۸]

عبادت امام

عبدالله بن خاقان به پسرش گفت: اگر خلافت بنی‌عباس سقوط کند، در میان بنی‌هاشم شخصی از امام عسکری برای خلافت شایسته‌تر نیست، به سبب فضل و بزرگواری و پاکدامنی و روزه و نماز و اخلاق و حلم و بردباری که از وی مشاهده می‌شود. محمد بن اسماعیل می گوید: امام عسکری در زندان روز را روزه می گرفت [۴] و شب را به عبادت می‌پرداخت و به هیچ کاری جز عبادت خدا نمی‌پرداخت. [۵] . عباسی‌ها بر صالح بن وصیف، زندانبان امام، وارد شدند و گفتند: مبادا به امام ترحم کنی. صالح گفت: من دو نفر از بدترین افراد را مأمور او کرده‌ام، ولی آنان نیز در عبادت و نماز و روزه به درجه‌ی بالایی رسیده‌اند وقتی از آنان پرسیدم که چرا شما تحول یافته‌اید؟ آنان گفتند: ما درباره‌ی کسی که تمام اوقات خود را به عبادت می گذراند، چه بگوییم؟ وقی به ما نگاه می کند، لرزه سر تا پای ما را فرامی گیرد و کنترل خود را از دست می‌دهیم. وقتی عباسیان این سخنان را شنیدند، سرافکنده شده و از تقاضای خود دست برداشتند. [۶] . [صفحه ۲۲۹]

احسان امام

الف: جعفر بن شریف جرجانی می گوید: در سامرا خدمت امام عسکری علیه‌السلام رسیدم و با من مقداری پول بود که شیعیان داده بودند تا به امام برسانم. پیش از آن که سخن بگویم، امام علیه‌السلام به من فرمود: پول‌ها را به خادم ما، مبارک بده. عرض کردم شیعیان شما در جرجان سلام می‌رسانند. حضرت فرمود: از امروز تا ۱۷۰ روز دیگر برمی گردی به جرجان و روز ورود تو سوم ربیع‌الثانی است. در آن روز به مردم اعلام کن که من در پایان همان روز به جرجان خواهم آمد و برای تو فرزند پسری متولد شده، او را «صلت» نام بگذار و او از اولیای ما خواهد بود. گفتم: یابن رسول‌الله! ابراهیم بن اسماعیل از شیعیان است و بسیار احسان

می کند، گاهی در سال بیش از صد هزار درهم انفاق می کند. حضـرت فرمود: خدا به او جزای خیر دهد، سـلام مرا به او برسان و به او بگو: برای تو فرزنـدی به دنیا می‌آیـد، او را «احمـد» نام بگذار. راوی می گوید: از خدمت حضـرت مرخص شدم و حج گزاردم و بعد از ۱۷۰ روز به جرجان رسیدم، دقیقا همان روزی که امام علیه‌السلام فرموده بود. چون دوستانم به دیدنم آمدند، داستان تشریف فرمـایی امـام علیه‌السـلام را گفتم. شـیعیان پس از نمـاز ظهر و عصـر در منزل من اجتمـاع کردنـد و سؤالات خود را آماده کردنـد. [صفحه ۲۳۰] ناگاه امام علیه‌السـلام وارد شـد. شخصـی به نام نضـر بن جابر خدمت حضـرت رسـید و گفت: فرزندم کور شده است. حضـرت دست مبارك را روی چشم او گذاشتند همانجا شفا یافت. پس از آن امام علیه‌السلام حوائج همگان را برآورد و همان روز به سامرا برگشت، با این که نماز ظهر و عصـر را در سامرا خوانده بود. [۷] . ب: مرحوم کلینی روایت می کنـد از ابن کردی از محمد بن علی بن ابراهیم بن موسـی بن جعفر علیه‌السـلام که گفت: امر معاش بر ما تنگ شـد، پدرم به من گفت: نزد امام عسـکری برویم. زیرا نقـل شـده که آن امـام خیلی سـخاوتمند است. گفتم او را دیـده‌ای؟ گفت: نه. وقتی به منزل حضـرت رفتیم، پـدرم در میـان راه گفت: ما نیازمنـدیم و مناسب است که امام ۵۰۰ درهم به ما بدهد، ۲۰۰ درهم خرج لبـاس کنیم و ۲۰۰ درهم آن را برای ادای دین خود در نظر بگیریم و ۱۰۰ درهم دیگر را برای مخارج خود مصرف کنیم. من نیز در دل خود گفتم: ای کاش امام ۳۰۰ درهم به من بدهد، ۱۰۰ درهم برای لباس و ۱۰۰ درهم برای تهیه‌ی مرکب سواری و ۱۰۰ درهم آن را خرجی روزانه قرار دهم. وقتی خدمت امام مشـرف شدیم، حضـرت به پدرم گفت: چرا تا به حال اینجا نیامدی؟ پدرم گفت: خجالت می کشـیدیم. وقتی از محضر امام مرخص شـدیم، غلام حضـرت آمد و کیسه‌ی پولی [صـفحه ۲۳۱] به پـدرم داد که ۸۰۰ درهـم در آن بـود و آنچـه را من و پـدرم در راه با همـدیگر گفت و گو کرده بودیم، از قول امـام علیه‌السـلام بیـان کرد که فلاـن مبلغ برای فلان کار باشـد. ابن کردی می گویـد: وقتی آنان این معجزه‌ی امام علیه‌السـلام را دیدنـد، به ایشان گفتم: آیا به امامت او معتقـد شدید؟ گفتند: نه، ما هنوز به مذهب واقفیه باقی هستیم؛ «هـذا أمر قـد جرینـا علیه». [۸] . ج: محمـد بـن حسن بن میمـون می گویـد: نـامه‌ای به امـام عسـکری علیه‌السـلام نوشـتم و از تهیدستی و فقر شـکایت کردم. سـپس با خودم گفتم: مگر امام صادق علیه‌السـلام نفرموده است: «الفقر معنا خیر من الغنی مع غیرنا و القتل معنا خیر من الحیاة مع عـدونا»؛ یعنی فقر با ما بهتر از ثروت با دیگران و شـهادت با ما بهتر از زندگی با دیگران است. حضـرت پاسـخ نـامه را چنین نوشـتند: «ان الله یخص أولیاءنـا، اذا تکاثفت ذنوبهم بالفقر و قـد یعفو عن کثیر منهم کما حـدثتك نفسك، الفقر معنا خیر من الغنی مع عدونا و نحن کهف لمن التجأ الینا و نور لمن استبصربنا و عصمة لمن استعصم بنا، من أحبنا کان معنا فی السنام الأعلی و من انحرف عنـا فالی النار». [۹] . خداونـد دوسـتان خودش را به هنگـام ارتکاب گناه، به فقر مبتلا می‌سازد و از بسـیاری از گناهان آنان می گذرد؛ همان گونه که تو در دل خود گفتی، فقر با ما بهتر از ثروت با دشمنان ما است و ما پناهگاه کسی هستیم که به ما [صـفحه ۲۳۲] پناهنـده شود و نور کسـی هستیم که به ما بصیرت پیدا کند و نگهدار کسـی هستیم که به ما اعتصام بجوید. هر کس مـا را دوست بـدارد، در مقـام بالاـ قرار می گیرد و هر آن که از مـا منحرف شـود، سـرنوشت او جهنم خواهـد بود. د: ابوهاشـم جعفری می گویـد: روزی به خـدمت حضـرت رسـیدم و می‌خواسـتم از آن حضـرت نقره‌ای بگیرم و انگشتری بسـازم و به آن تبرك بجویم؛ اما فراموش کردم. چون برخاستم، امام علیه‌السلام انگشتری به من داد و فرمود: نقره‌ای می‌خواستی، ما انگشتر دادیم. نگین و اجرت سـاختن آن را سودی کردی، ای اباهـاشم! گوارایت بـاد. گفتم: سـرور من گواهی می‌دهم که تو ولی خـدا و امام من هستی، اطاعت شما را جزو دین خود می‌دانم. حضرت فرمود: ای اباهاشم! خدا تو را بیامرزد. [۱۰] .

تفسیر منسوب به امام عسکری

آنچه اکنون از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام موجود است، تفسیر سوره‌ی فاتحه و قسمتی از سوره‌ی بقره است. در انتساب این تفسیر به آن حضـرت دانشـمندان اختلاف دارند. زیرا برخی از روایات آن مشـکوك به نظر می‌رسد. مرحوم حاج میرزا

حسین نوری، مؤلف مستدرک الوسائل، آن را معتبر [صفحه ۲۳۳] می‌داند. یکی از دلایل او این است که بسیاری از علما مانند شیخ صدوق در «من لا یحضره الفقیه»، مرحوم مجلسی قدس سره در «بحار»، شیخ حر عاملی در «وسائل» و ابن‌شهرآشوب در «مناقب» آن را جزء مصادر خود قرار داده‌اند. مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی نیز این تفسیر را معتبر می‌داند، با این تفاوت که می گوید: در حقیقت دو تفسیر بوده یکی تفسیر امام هادی علیه‌السلام که ۱۲ جلد آن نابود شده است و دیگری تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام، برخلاف محدث نوری که گمان کرده یک تفسیر است. این تفسیر معتبر باشد یا نه، روایات معتبری نیز در آن وجود دارد. از جمله روایتی که مربوط به شرایط فقیه و مرجع تقلید است؛ «فأما من کان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا علی هواه مطیعا لأمر مولاه، فللعوام أن یقلدوه و ذلک لا یکون الا بعض فقهاء الشیعهٔ لاجمیعهم». هر فقیهی که نفس خود را از هوی و هوس نگه دارد و دین خویش را حفظ کند و اطاعت فرمان خداوند را بنماید عوام مردم باید از او تقلید کنند (البته این چنین شرایطی مخالفت با هوی و هوس و حفظ دین و اطاعت الهی) در برخی از فقهاء یافت می‌شود. [۱۱] .

شاگردان و اصحاب امام عسکری

شیخ طوسی شاگردان امام عسکری علیه‌السلام را حدود ۱۰۰ نفر ذکر کرده است. [صفحه ۲۳۴] علامه‌ی قزوینی ۲۶۳ نفر از اصحاب و شاگردان امام عسکری علیه‌السلام را با شرح کوتاهی از هر یک بیان کرده است در اینجا به نام چند نفر از شاگردان برجسته آن امام بزرگوار اشاره می‌کنیم: ۱- احمد بن اسحق قمی ۲- ابوهاشم جعفری ۳- قاسم جعفری ۴- ابوعمر ۵- عثمان بن سعید عمری ۶- علی بن جعفر ۷- محمد بن حسن صفار ۸- حسین بن روح نوبختی ۹- اسحق بن ربیع کوفی ۱۰- عبدالله بن جعفر حمیری ۱۱- داود بن ابی‌یزید نیشابوری ۱۲- اسحق بن اسماعیل نیشابوری ۱۳- فضل بن شاذان

سخنان امام عسکری

۱- «ان الوصول الی الله عزوجل سفر لا یدرک الا بامتطاء اللیل»؛ [۱۲] رسیدن به خدا مستلزم سفری است که میسر نمی‌شود، مگر برای کسی که شب را مرکب خود قرار دهد، یعنی نماز شب و مناجات شبانه داشته باشد. ۲- «من رضی بدون الشرف من المجلس، لم یزل الله و ملائکته یصلون علیه حتی یقوم من المجلس»؛ [۱۳] کسی که به جاهای پایین مجلس راضی باشد، خداوند و فرشتگان همواره بر او درود می‌فرستند تا از آنجا برخیزد. [صفحه ۲۳۵] ۳- «الاشراک فی الناس أخفی من دبیب النمل علی المسح الأسود فی اللیلهٔ المظلمهٔ»؛ [۱۴] شرک در میان مردم از حرکت مورچه بر جاده‌های سیاه در شبی تاریک، پنهان‌تر است. ۴- «أورع الناس من وقف عند الشبهه، أعبد الناس من أقام علی الفرائض، أزهد الناس من ترک الحرام، أشد الناس اجتهادا من ترک الذنوب»؛ [۱۵] پرهیزکارترین مردم آن است که از در افتادن به شبهه‌ها اجتناب ورزد، عابدترین شخص کسی است که واجبات خود را انجام دهد زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری کند، کوشاترین فرد کسی است که گناهان را ترک کند. ۵- «لیست العبادهٔ کثرهٔ الصیام و الصلاهٔ، و انما العبادهٔ کثرهٔ التفکر فی أمر الله»؛ [۱۶] عبادت به نماز و روزه‌ی فراوان نیست، بلکه عبادت به اندیشیدن بسیار است. ۶- «لیس من الأدب اظهار الفرح عند المحزون»؛ [۱۷] شادمانی کردن نزد شخص غمناک، بی‌ادبی است. ۷- «لا تکرم الرجل بما یشق علیه»؛ [۱۸] هیچ انسانی را به آن چیزی که بر او سخت است، اکرام مکن. ۸- «قلب الأحمق فی فمه و فم الحکیم فی قلبه»؛ [۱۹] دل انسان احمق در زبان او، و زبان شخص حکیم در دل او است. [صفحه ۲۳۶] ۹- «لا یشغلک رزق مضمون عن عمل مفروض»؛ [۲۰] روزی ضمانت شده‌ی الهی تو را از وظیفه‌ی واجب بازندارد. ۱۰- «لا تمار فیذهب بهاؤک و لا تمازح فیجترئ علیک»؛ [۲۱] جدال مکن. چون قدر و منزلت تو را نابود می‌سازد و شوخی مکن. زیرا دیگران بر تو جرأت پیدا می کنند.

خفقان شدید در زمان امام عسکری

ابوهاشم جعفری می گوید: امام عسکری علیه‌السلام مرا خواست و چوبی به من داد و فرمود: این چوب را به عثمان بن سعید بده. من آن را گرفتم و حرکت کردم. در مسیر، سقایی با قاطرش عبور می کرد. استر مقابل من قرار گرفت. سقا گفت: آن را از خود دور کن. من با همان چوب آن را از خود راندم؛ ناگاه چوب شکست، در میان آن نامه‌هایی وجود داشت، شتابان آن را جمع و پنهانشان کردم، ولی آن سقا همچنان به من ناسزا می گفت. آنگاه که خدمت امام علیه‌السلام رسیدم خادم حضرت از قول ایشان گفت: چرا قاطر را زدی و چوب را شکستی! به امام علیه‌السلام عرض کردم: نمی‌دانستم که در میان چوب چه چیزی وجود دارد. حضرت فرمود: چرا کاری کردی که نیاز به عذرخواهی پیدا کنی! هر گاه دیدی کسی به ما ناسزا می گوید، از آنجا عبور کن و از پاسخ دادن به او بگذر و خودت را معرفی نکن. زیرا ما در سرزمین شوم زندگی می کنیم. بدان که اخبار تو به ما می‌رسد در رازپوشی جدیت کن. [۲۲] . [صفحه ۲۳۷]

قیام علویان در عصر امام عسکری

در زمان امام عسکری علیه‌السلام علویان بسیاری ضد رژیم ستمگر عباسیان قیام کردند، مانند قیام حسین بن محمد بن حمزه و علی بن زید بن حسین در کوفه و احمد بن محمد بن عبدالله در مصر و چند نفر دیگر که در زندان‌های عباسیان کشته شدند. نام چند نفر از علویانی که در آن زمان به شهادت رسیدند، بدین شرح است: ۱- حسن بن محمد عقیقی از نوادگان امام حسین علیه‌السلام. ۲- حسین بن اسماعیل از نوادگان جعفر طیار. ۳- احمد بن محمد. ۴- علی بن موسی. ۵- محمد بن حسین از نوادگان امام حسن علیه‌السلام. ۶- علی بن موسی، نوه‌ی امام کاظم علیه‌السلام. ۷- ابراهیم بن موسی. ۸- عبدالله بن محمد. ۹- محمد بن حسین. ۱۰- موسی بن موسی از نوادگان امام حسن علیه‌السلام. ۱۱- محمد بن احمد از نوادگان زید بن امام سجاد علیه‌السلام. [۲۳] . [صفحه ۲۳۸]

معجزات امام

اخبار از غیب

الف: اسماعیل بن محمد می گوید: سر راه امام عسکری علیه‌السلام نشستم، وقتی که از پیش من عبور کرد نزدیک وی رفتم و نیاز خود را مطرح ساختم و کمک خواستم و گفتم: به خدا قسم! یک درهم بیشتر ندارم، صبحانه و شام نیز ندارم. حضرت فرمود: به نام خدا سوگند دروغ می‌خوری، تو ۲۰۰ دینار زیر خاک پنهان کرده‌ای. یادآوری این سخن به جهت امساک از انفاق به تو نیست. سپس به غلام خود فرمود: هر چه همراه داری، به او بده. غلام نیز ۱۰۰ دینار به وی داد. سپس امام علیه‌السلام به من فرمود: این را بدان که هر گاه به دینارها احتیاج پیدا کردی، از دستیابی به آن‌ها محروم خواهی شد. اسماعیل می گوید: همان گونه که امام علیه‌السلام فرموده بود، رخ داد. زیرا آن مبلغ را برای آینده‌ی خود پس‌انداز کرده بودم. پس از مدتی نیاز شدیدی به آن پیدا کردم، رفتم تا از زیر خاک بردارم، دریافتم که پسرم اطلاع پیدا کرده و پول‌ها را از آنجا برداشته و فرار کرده است. [۲۴] . [صفحه ۲۳۹]
ب: محمد بن احمد سروی می گوید: توسط ابوهاشم نامه‌ای به امام عسکری علیه‌السلام نوشتم و فقر و ناداری خودم را به آگاهی حضرت رساندم. حضرت پاسخ داد: مژده باد بر تو! خداوند تو را ثروتمند کرد. پسرعمویت یحیی بن حمزه از دنیا رفت و ۱۰۰ هزار درهم از او به جا مانده و به سبب نداشتن ورثه، همه‌ی آن به تو ارث می‌رسد؛ «فاشکر الله و علیك بالاقتصاد، و ٪ایاك و الاسراف، فانه من فعل الشیطنة»؛ شکرگزار خدا باش و بر تو باد به میانه‌روی و حتما از اسراف دوری کن زیرا اسراف از کارهای شیطانی است.

همان روزی که ابوهاشم این نامه را به من داد. خبر مرگ پسرعمویم به من رسید و پیام‌آور حواله‌هایی از شهر حران به همان مبلغ صد هزار درهم به من رسانید و به طور کلی از فقر و تهیدستی نجات یافتم. [۲۵] .

سخن گفتن به زبان‌های مختلف

نصیر خادم می گوید: چندین مرتبه شنیدم که امام علیه‌السلام با غلامان ترک و رومی و غیر آن به زبان خودشان سخن می گفت. من تعجب کردم و با خودم گفتم: امام علیه‌السلام در مدینه متولد شده و تا هنگام رحلت پدر بزرگوارش به جایی نرفته و کسی او را ندیده است، پس چگونه به زبان‌های مختلف سخن می گوید؟ در همین فکر بودم، ناگاه حضرت به من رو کرد و فرمود: خداوند حجت خود را در همه چیز بر سایر مردم امتیاز بخشیده و آگاهی به [صفحه ۲۴۰] زبان‌ها، شناخت نسب‌ها و حوادث آینده را به او عطا فرموده است. اگر چنین نبود، تفاوتی میان امام و حجت خدا و سایر مردم نبود؛ «و لو لا ذلک، لم یکن بین الحجهٔ و المحجوج فرق» [۲۶] .

نجات یافتن ابوهاشم از زندان

ابوهاشم جعفری هنگامی که زندانی شد، مخفیانه نامه‌ای به امام عسکری علیه‌السلام نوشت و از وضع شکنجه در زندان به حضرت شکایت کرد. حضرت در پاسخ او نوشتند: تو امروز آزاد می‌شوی و نماز ظهرت را منزل خودت می‌خوانی، همان گونه که امام علیه‌السلام فرموده بود، وی همان روز آزاد شده و نماز ظهرش را در منزل خواند. ابوهاشم می گوید: پس از رهایی از زندان از نظر تأمین هزینه‌های زندگی در تنگنا بودم. از این رو تصمیم گرفتم که در ضمن نامه‌ای چند دینار از امام علیه‌السلام درخواست کنم؛ ولی شرم می کردم. طولی نکشید که امام علیه‌السلام صد دینار برایم فرستاد و برایم نوشته: هر گاه محتاج شدی، خجالت نکش و پروا مکن. از من بخواه که به خواست الهی به خواسته‌ات می‌رسی. [۲۷] .

استجابت دعا

محمد بن حسن می گوید: از امام عسکری علیه‌السلام در ضمن نامه‌ای تقاضا کردم در مورد شفای درد یکی از چشمهایم دعا کند. زیرا یک چشمم کور [صفحه ۲۴۱] شده و چشم دیگرم شدیدا درد می کرد و در آستانه‌ی کوری بود. حضرت در پاسخ نوشت: خداوند چشمت را برایت نگهدارد و همین دعای حضرت موجب شفای چشمم شد. آن حضرت در پایان نامه نوشته بود: «اجرک الله و أحسن ثوابک»؛ خداوند به تو اجر و پاداش نیکو دهد. من از این جمله‌ی امام ناراحت شدم. زیرا می‌دانستم که یکی از خویشاوندانم از دنیا رفته است که امام به من تسلیت می گوید. پس از چند روز، خبر وفات پسرم را دریافت کردم و به راز تسلیت امام آگاهی یافتم. [۲۸] .

احسان به ابوهاشم جعفری

ابوهاشم جعفری می گوید: روزی همراه امام عسکری علیه‌السلام به صحرا رفتیم. ناگاه در مسیر به فکر قرض‌هایم افتادم که چگونه آن‌ها را پرداخت کنم. ناگهان امام علیه‌السلام به من متوجه شد و فرمود: خداوند ادا می کند. سپس از روی زین خم شد و با تازیانه‌ی خود خطی بر زمین کشید، فرمود: ای اباهاشم! پیاده شو و بردار و بپوشان. امتثال کردم و قطعه‌ای طلا- از روی زمین برداشتم. وقتی سوار شدم، پس از اندک زمانی با خودم گفتم، بسیار خوب است امام علیه‌السلام مخارج زمستان ما را نیز عطا فرماید. آنگاه از فراز اسبش به سوی زمین خم شد و با تازیانه‌اش خطی بر زمین کشید و به من فرمود: پیاده شو و آن را بردار و

بپوشان. ناگاه قطعه‌ای نقره دیدم. وقتی از محضر امام [صفحه ۲۴۲] مرخص شدم، حساب کردم و دیدم به اندازه‌ی قرض و مخارج زمستان امام به من مرحمت کرده است. [۲۹] .

تحول روحی شکنجه‌گران امام عسکری

از طرف معتمد عباسی، امام عسکری علیه‌السلام را دستگیر و زندانی کردند. رئیس زندان شخصی به نام «صالح بن وصیف» بود. چند نفر از وابستگان طاغوت به او سفارش کردند که به امام سخت بگیرد. در پاسخ گفت: چه کنم؟ دو نفر از نانجیب‌ترین افراد را برگزیده و آن دو را مأمور شکنجه کردن حسن بن علی کردم؛ ولی آنان با مشاهده‌ی وضع معنوی و روحی و عبادت آن حضرت چنان دگرگون شدند که همواره به عبادت و نماز و روزه اشتغال دارند. آن دو را خواستم و گفتم: شما چرا چنین شده‌اید؟ آیا از امام چیزی دیده‌اید؟ در پاسخ گفتند: چه می‌گویی درباره‌ی شخصی که روزها را روزه و شب‌ها را از آغاز تا پایان به عبادت مشغول است، نه سخن می‌گوید، نه به چیزی سرگرم می‌گردد. وقتی به چهره‌ی او نگاه می‌کنیم، رگ‌های ما به لرزه می‌افتاد و چنان منقلب می‌شدیم که توان کنترل نداشتیم. وقتی که وابستگان طاغوت چنین گزارش شنیدند، ناامید برگشتند. [۳۰] . [صفحه ۲۴۳]

شهادت امام حسن و سه نشانه‌ی امامت حضرت مهدی

ابوالأدیان یکی از شیعیان خاص و نامه‌رسان امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌گوید: آن حضرت در بستر شهادت، مرا به حضور طلبید و چند نامه به من داد و فرمود: این نامه‌ها را به مداین ببر و به صاحبانش برسان و پس از پانزده روز مسافرت، وقتی به شهر سامرا بازگشتی، از خانه‌ی من صدای گریه و عزاداری می‌شنوی و جنازه‌ی مرا روی تخته‌ی غسل می‌نگری. ابوالأدیان گفت: ای آقای من! اگر چنین پیش آید، به چه کسی مراجعه کنم؟ حضرت فرمود: به کسی رجوع کن که دارای سه علامت باشد: ۱- پاسخ‌های نامه‌های مرا از تو مطالبه کند. ۲- کسی که بر جنازه‌ی من نماز می‌خواند. ۳- آن که از محتوا و اشیای داخل همیان خبر دهد، او قائم بعد از من است. سپس شکوه امام علیه‌السلام مانع شد که سؤال بیشتری کنم. آن گاه به سوی مداین رفتم و نامه‌ها را به صاحبانش دادم و پاسخ‌های آن‌ها را گرفتم و پس از پانزده روز به سامرا بازگشتم، ناگاه همان گونه که فرموده بود، صدای گریه و عزا از خانه‌ی امام حسن عسکری علیه‌السلام شنیدم، به خانه‌ی آن حضرت آمدم، ناگاه دیدم جعفر کذاب (برادر آن حضرت) در کنار در خانه ایستاده و جمعی از شیعیان اطراف او را گرفته‌اند و به او تسلیت گفته و برای امامت پس از امام حسن عسکری علیه‌السلام مبارک باد می‌گویند. [صفحه ۲۴۴] سپس «عقید» (غلام امام حسن علیه‌السلام) آمد و به جعفر گفت: ای آقای من! جنازه‌ی برادرت کفن شد، برای نماز بیا، جعفر و شیعیان اطراف او وارد خانه شدند، من نیز همراه آن‌ها بودم و در برابر جنازه‌ی کفن شده‌ی امام حسن عسکری علیه‌السلام قرار گرفتیم. جعفر پیش آمد تا نماز بخواند، همین که آماده‌ی تکبیر گفتن شد، کودکی که صورتی گندمگون و موی سرش به هم پیچیده و میان دندان‌هایش گشاده بود، پیش آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: «تأخر یا عم! فأنا أحق بالصلاهٔ علی أبی»؛ ای عمو! به عقب برگرد، من برای نماز خواندن بر جنازه‌ی پدرم سزاوارم. جعفر بن عقب بازگشت، در حالی که چهره‌اش تغییر کرده و غبار گونه شده بود. آن کودک جلو آمد و نماز خواند، سپس آن حضرت را در کنار قبر پدرش امام هادی علیه‌السلام در شهر سامرا به خاک سپرد. سپس آن کودک به من گفت: پاسخ‌های نامه‌ها را به من بده، آن‌ها را به آن کودک دادم و با خود گفتم: این دو نشانه (نماز و مطالبه‌ی نامه‌ها) اما نشانه‌ی سوم (خبر از محتوای همیان) باقی مانده بود. سپس نزد جعفر کذاب رفتم و دیدم مضطرب است، شخصی به نام «حاجز وشاء» به جعفر گفت: آن کودک چه کسی بود؟ (حاجز می‌خواست با این سؤال، جعفر را در حجتش درمانده سازد.) جعفر گفت: به خدا سوگند! هرگز آن کودک را ندیده‌ام و نشناخته‌ام. أبوالأدیان در ادامه‌ی سخنانش گفت: ما نشسته بودیم، ناگاه چند نفری [صفحه ۲۴۵] از قم آمدند و جویای امام حسن عسکری

علیه‌السلام بودند، دریافتند که آن حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: امام پس از او کیست؟ مردم با اشاره، جعفر را به آنان نشان دادند. ایشان بر جعفر سلام کردند و به او تسلیت و تهنیت گفتند و عرض کردند: همراه ما نامه‌ها و اموالی است، به ما بگو: نامه‌ها را چه کسی فرستاده و اموال چه مقدار است؟ در این هنگام خادم (از جانب امام عصر علیه‌السلام) بیرون آمد و گفت: نزد شما نامه‌هایی است از فلان شخص و فلان شخص (نام آن‌ها را به زبان آورد) و در نزد شما همیانی است که هزار دینار دارد، ده دینار آن طلاها روکش دارد. قمی‌ها آن نامه‌ها و همیان را به آن خادم دادند و گفتند: امام همان شخصی است که تو را نزد ما فرستاده است. (به این ترتیب سومین نشانه نیز آشکار شد). [۳۱] .

حرم عسکریین

حضرت هادی علیه‌السلام را در منزلی که در شهر سامراء خریده بود، پس از شهادتش در همان منزل دفن کردند و بعد از حضرت هادی امام عسکری و حکیمه خاتون و نرجس خاتون، مادر امام زمان علیه‌السلام در کنار حضرت دفن گردیدند. در روی مرقد مطهر حضرت عسکریین علیهماالسلام صندوق نیست، بلکه ساختمانی از کاشی و گچ بنا شده است. [صفحه ۲۴۶]

ضریح

ضریح مطهر که از فولاد ساخته شده و از آثار دوره‌ی صفویه است که از سوی سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۰ تقدیم شده است، تا زمان فتحعلی شاه قاجار که ضریحی از نقره ساخته شده و بر روی قبر نصب شده است.

حرم مطهر

روضه‌ی عسکریین علیهماالسلام یکی از بزرگترین حرم‌های مشاهد مشرفه است و از چهار طرف چهار صفه‌ی بزرگ دارد. داخل روضه ۱۲ ضربدر ۱۲ متر غیر از صفه‌ها است و هر صفه ۶ متر در ۴ متر است که به رواق می‌رود. همه‌ی درهای حرم از نقره ساخته شده است؛ یکی در سال ۱۳۴۳ که حاجی سهم الملك واقی و دیگری در سال ۱۳۴۴ و سومی در سال ۱۳۴۵ به وسیله زوار تقدیم شده است.

قبه و بارگاه

روی روضه‌ی منوره قبه و بارگاه بزرگی بنا شده که بسیار زیبا و بلند است و در زمان ناصرالدین شاه و به کمك او در سال ۱۲۸۵ تمام شده است. ارتفاع گنبد تقریبا ۴۰ متر است که از درون به آینه و از بیرون به طلا زینت یافته است.

رواق

رواق حضرت عسکریین علیهماالسلام حدود ۲۰ ضربدر ۲۰ متر می‌شود که دارای آینه کاری بسیار مجلل و زیبایی است. [صفحه ۲۴۷]

صحن

صحن حضرت عسکریین چون دارای حجرات اطراف نیست، جز سمت جنوبی آن که دو حجره در دو طرف در ورودی صحن

دارد، فضای آن از صحن نجف و کاظمین بزرگتر است از طول ۱۸ غرفه و از عرض ۱۶ غرفه با در ورودی که دارد طول آن حدود ۶۵ ضربدر ۵۵ متر است. [۳۲] .

سرداب مطهر

در شهرهای عراق که هوا در تابستان گرم می‌شود، برای استراحت اهالی در هر خانه‌ای زیرزمینی تهیه می‌کنند که آن را سرداب می‌گویند و در آنجا زندگی می‌کنند. قبور منور امامین همامین در خانه‌ی مسکونی حضرت هادی علیه‌السلام واقع شده و صحن کنونی همان خانه‌ی حضرت است و سرداب مطهر نیز داخل در خانه بوده و مدت ۱۷ سال محل عبادت و استراحت آن دو بزرگوار بوده است و در زمان غیبت جمعی از صلحا و بزرگان در آنجا به خدمت امام زمان علیه‌السلام مشرف شده‌اند. محدث قمی در «هدیهٔ الزائرین» می‌نویسد: این سرداب در کتب مزار جمله‌ای از متأخران معروف به سرداب است، گر چه بعضی گفته‌اند: امام زمان علیه‌السلام در کودکی داخل آن سرداب شده و مادرش نرجس خاتون ایستاده و به او نگاه می‌کرد تا از نظرش غائب شد. [۳۳] . و الحمدلله رب العالمین علی اتمامه اللهم تقبل منا انک انت السمیع العلیم

پاورقی

[۱] أنوار البهیهٔ، ص ۴۹۰؛ بحار، ج ۵۰، ص ۲۳۶.

[۲] کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۲۸۰.

[۳] بحار، ج ۵۹، ص ۳۲۲.

[۴] مناقب، ج ۴، ص ۴۲۳.

[۵] اعیان الشیعهٔ، ج ۲، ص ۴۱.

[۶] اعیان الشیعهٔ، ج ۲، ص ۴۱.

[۷] بحار، ج ۵۰، ص ۲۶۲.

[۸] کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۲۸۳.

[۹] بحار، ج ۵۰، ص ۲۹۹؛ کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۳۰۰.]

[۱۰] کافی، ج ۱، ص ۵۱۲؛ بحار، ج ۵۰، ص ۲۵۴.

[۱۱] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۲.

[۱۲] بحار، ج ۷۸، ص ۳۸۰.

[۱۳] تحف العقول، ص ۴۸۶٪.

[۱۴] تحف العقول، ص ۴۸۷.

[۱۵] تحف العقول، ص ۴۸۹.

[۱۶] بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۳.

[۱۷] تحف العقول، ص ۴۸۹.

[۱۸] بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۴.

[۱۹] تحف العقول، ص ۴۸۸.

[۲۰] بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۴.

[۲۱] بحار، ج ۷۸، ص ۴۸۶.

[۲۲] بحار، ج ۵۰، ص ۲۸۵.

[۲۳] مقاتل الطالبیین، ص ۴۳۱.

[۲۴] کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۲۸۳.

[۲۵] کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۲۱۴.

[۲۶] کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۲۸۷.

[۲۷] بحار، ج ۵۰.

[۲۸] کافی، ج ۱، ص ۵۱۰.

[۲۹] بحار، ج ۵۰، ص ۲۵۹.

[۳۰] کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۲۹۰.

[۳۱] سیره‌ی چهارده معصوم، ص ۹۵۴.

[۳۲] مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم، ۱۳۳۴.

[۳۳] تاریخچه‌ی شهر سامرا، ص ۴۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹